


پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
(از ص ۲۲۵ تا ص ۲۴۹)

 10.22059/jlcr.2019.268200.1124
Print ISSN: 2382-9850—Online ISSN: 2676-7627
<http://jlcr.ut.ac.ir>

کاربرد صوت و شبه‌جمله به عنوان شگردی خاص در ادبیات کودکان

طاهره کیایی تنکابنی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

عباسعلی وفايي^۱

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی

رقيه صدرایی

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۸/۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱

چکیده

زبان انواع ادبی خاص و ویژه‌ای دارد و عناصر تشکیل‌دهنده هر یک از آن‌ها متفاوت به نظر می‌رسد. واژگان و چگونگی کاربرد آن‌ها موجب پیدایی ژانرهای ادبی و متفاوت از یکدیگر می‌شود. با نگاهی دقیق به هر یک از انواع ادبی و بررسی حوزه واژگانی آن‌ها درمی‌یابیم که حوزه واژگانی و نیز حوزه مفهومی آن‌ها در شاکله‌ای به نام انسجام واژگانی و در نتیجه، اتحاد مفهومی قرار می‌گیرد. زبان و ادب کودکان نیز از این امر مستثنی نیست. این نوع ادبی از نظر کارکرد زبان در حوزه‌های مفهومی، نحوی و دیگر بخش‌ها، ویژگی‌های خاص خود را دارد و این خصایص است که نوع ادبی کودکان و نوجوانان را به وجود می‌آورد. کاربرد صوت و شبه‌جمله در بسیاری از انواع چندان جایی ندارد و به کارگیری آن‌ها مورد توجه نیست، لیکن در نوع ادبی کودکان یا به عبارتی دیگر، در زبان و ادب کودکان اهمیت خاصی دارد که به سبب محسوس کردن مطالب و نگاه به محیط پیرامونی و عینی و نیز جلب توجه بیشتر آن‌ها صورت می‌گیرد. این مقاله می‌کوشد تا درباره موضوع صوت و شبه‌جمله در چند اثر داستانی کودکان پژوهش نماید و نشان دهد آن دو از عناصر پرکاربرد در این انواع است.

واژه‌های کلیدی: ادب کودکان، صوت، شبه‌جمله، موضوعات عینی، تجسمی، داستان، آثار ادبی.

۱. مقدمه

هر متن به هم‌پیوسته و مرتبطی به کمک عوامل واژگانی شکل می‌گیرد. با توجه به این رویکرد، به بررسی و ارائه تعریفی از انسجام واژگانی و بعضی از انواع آن می‌پردازیم. عوامل انسجام متن عبارتند از: واژگانی، دستوری، پیوندی. پیوند اجزای سازنده، انسجام بین پیام‌ها را به وجود می‌آورد، انسجام دستوری نیاز به پشتیبانی انسجام واژگانی دارد. برای کارآمد بودن، انسجام دستوری نیازمند حمایت انسجام واژگانی است (ر.ک: هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۲۰۰-۲۰۱).

۲. انسجام واژگانی (Lexical cohesion)

انسجام، روابط معنایی را شامل می‌گردد که در یک متن وجود دارد. در زبان‌شناسی نقش‌گرا به این عنصر توجه می‌شود و در واقع، به کمک آن به تفسیر متن می‌پردازند. این مفهوم، در بر دارنده تعبیر معنایی است که مورد توجه هلیدی قرار گرفت. روابط معنایی مستقل از الگوهای واژی- دستوری نیستند؛ یعنی برای تحقق هر رابطه خاصی، گرایش‌های بسیار قوی وجود دارد که مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها آن را به روشنی تبیین و تعریف می‌کنند (ر.ک: هلیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۴). انسجام و پیوستگی جملات، محصول رابطه اجزای دو جمله با یکدیگر است. بنابراین، «این نظریه زبان‌شناختی در راستای تفسیری که از متن، نظام و عناصر ساخت‌های زبانی ارائه می‌دهد، در سه معنای متمایز و البته همبسته نقش‌گراست» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۷). انسجام واژگانی به انواعی دسته‌بندی می‌شود که عبارت است از: تکرار، باهم‌آیی، هم‌معنایی، تضاد معنایی، شمول معنایی. هرگاه دو صورت واژگانی در چارچوب کلی یکی از این رابطه‌ها قرار گیرند، پیوند انسجامی شکل می‌گیرد (ر.ک: هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱۹۶-۱۹۷). روابط واژگانی به دو دسته بازآیی و هم‌آیی تقسیم می‌شود.

۱-۲. هم‌آیی واژگانی (Collocation)

هم‌آیی در واقع، به ارتباط عنصری با عنصر دیگر از طریق نمود مشترک و مکرری که در بافت تشابه دارند، اطلاق می‌شود. هم‌آیی باعث انسجام و به هم‌پیوستگی در متن می‌گردد. هرچه کاربرد این ابزار در متن بیشتر باشد، خواننده بهتر به موضوعات گسترده و متنوع متن پی می‌برد. این فرایند در واقع، از طریق ارتباطات گوناگونی که واژگان با هم دارند، در متن ظهور می‌یابد و به شناسایی و دسته‌بندی می‌پردازد. هم‌آیی نیز به کار بردن واژگانی است که در یک موضوع با هم تناسب دارند و در ارتباط هستند.

۲-۲. حوزه مفهومی (Conceptual field) واژگان

حوزه معنایی همان مجموعه‌ای از کلمه‌ها هستند که دلالت آن‌ها به هم ارتباط دارد و معمولاً ذیل واژه عامی جای می‌گیرند که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. هدف تحلیل حوزه‌های معنایی، گردآوری تمام واژگانی است که به حوزه مشخصی اختصاص دارند و کشف رابطه یکی با دیگری و نیز رابطه آن با اصطلاح عام و فراگیر می‌باشد (ر.ک؛ مختار عمر، ۱۳۸۵: ۷۳). در این حوزه، برای فهم معنای یک کلمه باید معنی کلمات مرتبط با آن را نیز بدانیم تا بتوانیم دسته‌بندی درستی از آن ارائه کنیم. طرفداران این دیدگاه معتقدند که می‌توانیم موجودات را با توجه به امور مجرد اشیای موجود در جهان حقیقی پیرامون تقسیم‌بندی کنیم. این تقسیم‌بندی ممکن است بر اساس کارکرد، حجم، شکل، رنگ و... باشد (ر.ک؛ همان: ۷۸).

۳. زبان کودکان

کودکی که امروز در آستانه هزاره سوم میلادی ایستاده‌است، از یک دیدگاه به انسان‌های نخستین شباهت دارد؛ یعنی در نگرش به هستی، واسطه او در شناخت، بیشتر تخیل است تا تعلیل (ر.ک؛ کیانوش، ۱۳۹۰: ۷). زبان کودکان مانند زبان بشری در ابتدا ساده است و در تکرار چند هجا خلاصه می‌شود، کم‌کم کودکان تحت تأثیر محیط و آموزش دیگران جمله‌سازی می‌کنند و زبان کودکی شکل می‌گیرد. دنیای کودکان، دنیای سیر در تخیل است. آنان از عالم حقیقت فاصله می‌گیرند و با زبان ساده و ملموس خود دست به شناخت محیط اطراف می‌زنند و با خیال‌پردازی، دنیای زیبایی خود را زیباتر می‌کنند. از همین جاست که گفته‌اند شعرا مانند کودکانند. شاعر باید خود را از حیطه زندگی عقلی و شناخت تعلیلی بیرون بکشد تا به طبیعت نزدیک شود و کودک شود و زبان شعر بگشاید؛ به عبارتی دیگر، شاعری، کودک‌ماندگی است (ر.ک؛ کیانوش، ۱۳۹۰: ۱۵).

۴. توجه کودکان به مسائل عینی و محسوس

کودکان محدوده خیال خود را به کمک تشبیه ترسیم می‌کنند. تشبیهات حسی و ملموس پرکاربردترین عنصر خیال‌انگیز در زبان کودکان محسوب می‌شوند. تشبیه آن است که چیزی را به چیزی در صفتی مانند کنند (ر.ک؛ همایی، ۱۳۶۳: ۲۲۷) و ابزار مناسبی برای درک بهتر و زیباتر محیط اطراف به حساب می‌آید. هرچه تشبیه حسی‌تر باشد، بهتر است. کودکان با داستان‌های ملموس رابطه بهتری برقرار می‌کنند و به کمک ساختار تشبیه، تخیل خود را بارور می‌سازند. به کمک صوت‌های موجود در واژگان خودساخته کودک،

مفهوم‌های گوناگونی مانند «آخ»، «اوخ»، «جیز» و... شکل می‌گیرد (ر.ک؛ کیانوش، ۱۳۹۰: ۴۷). می‌بینیم که اصوات در بدو تولد در زندگی کودکان شنیده می‌شوند و کمی بعدتر به شکل کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این برهه‌ی زمانی، کودکان از اصوات و شبه‌جمله برای نمود و عینی کردن مطالب و جلب توجه بیشتر استفاده می‌کنند.

۵. شبه‌جمله (exclamation) یا اصوات (sounds) در دستور زبان فارسی

میرزا حبیب اصفهانی اولین کسی است که به شکل مدون به این مقوله پرداخته‌است. مؤلف در کتاب دستور سخن، در ترکیب جمله و کلام، ده مورد را مهم دانسته‌است که عبارتند از: اسماء، کنایات، فروع فعل، حروف و ادوات، ضوابط تألیف کلام، صفات افعال، قیودات، مرکبات، املاء. وی حالات و تعداد ادوات را چنین دسته‌بندی نموده‌است: آه تحسر، آبی استفهام، آفرین تحسین، آسای تشبیه، آری ایجاب و... (ر.ک؛ اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). از نظر خیام‌پور، شبه‌جمله کلمه‌ای است که متضمن معنی جمله‌ای باشد؛ مانند: «دریغا؛ افسوس می‌خورم»، «زه؛ تحسین می‌کنم»، «آری؛ تصدیق می‌کنم» و... (ر.ک؛ خیام‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۲). به همین سبب که متضمن معنی جمله است، این قسم کلمات اغلب عمل جمله و فعل را انجام می‌دهند (ر.ک؛ همان: ۱۰۲). خیام‌پور ندا را در مقوله حروف می‌گنجاند و نامی از اصوات نمی‌آورد. از نظر ایشان، اقسام کلمه بر شش نوع استوار است: اسم، صفت، فعل، قید، شبه‌جمله و حرف.

خیام‌پور اولین کسی است که در بین دستورنویسان سنتی شبه‌جمله را از مبحث حرف جدا می‌سازد. از نظر خانلری، اصوات کلماتی هستند که برای بیان حالات عاطفی گوینده، مانند: تحسین، شادی، تعجب، افسوس، درد، ندا (یعنی آواز دادن و خواندن کسی) و قصد برحذر داشتن و مانند این‌ها به کار می‌رود؛ همچون: آه، خوشا، وه و زنه‌ار (ر.ک؛ خیام‌پور، ۱۳۸۹: ۷۷).

انوری شبه‌جمله را کلمه یا گروهی از کلمات می‌داند که غالباً برای بیان حالات عاطفی گوینده به کار می‌رود؛ مانند حالت درد، تحسین، افسوس، تحذیر و مانند آن‌ها. در برخی از دستورها، شبه‌جمله‌ها را اصوات و صوت نامیده‌اند. این نامگذاری از آن سبب است که برخی از شبه‌جمله‌ها شبیه اسم صوت هستند؛ مانند: آه، هان، خه‌خه، به‌به. می‌توان اصطلاح شبه‌جمله‌ها را به همه کلمه‌های این مقوله دستوری اطلاق کرد و اصطلاح صوت را فقط درباره آن شبه‌جمله‌هایی به کار برد که شبیه اسم صوت هستند. در ادامه،

شبه جمله را از نظر مفهوم به امید و آرزو، تحسین، سپاس، تأسّف، تعجب، تحذیر، امر، تعظیم، تصدیق، تکذیب و سرزنش دسته بندی می کند (ر.ک: خیام پور: ۲۴۰-۲۴۴).

۶. صوت و دانش معانی (semantics)

آی. ای. ریچاردز، منتقد معروف ادبی، در کتاب *معنای معنا* می گوید: «ما با دو نوع زبان مواجه هستیم: زبان عاطفی، زبان ارجاعی. زبان عاطفی زبان ادبیات است که با آن احساسات و عواطف را منتقل می کنند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۳۳). شمیسا نقش این شبه جمله ها را در تغییر دادن نظر و احساسات مخاطب می داند. گفتنی است شبه جمله دستوری با آنچه در علم معانی به چشم می خورد، متفاوت است. نقش شبه جمله دستوری، ایجاد احساسات خاص با توجه به معنای شبه جمله در مخاطب است. شباهت این شبه جمله ها در دستور و علم معانی صرفاً در لفظ است و شبه جمله دستوری با کارکرد خاص خود در بافت متن در کنار معانی ثانویه حضور می یابد (ر.ک: وفایی و آقابابایی، ۱۳۹۴: ۲۹۷).

۷. پیشینه پژوهش

تألیف هایی در ارتباط با این موضوع نگارش یافته است که هر یک به جنبه هایی از این مقوله می پردازد. از جمله این آثار عبارتند از:

- فرج زاده، آسیه (۱۳۹۲)، *بررسی شبه جمله ها در کتب دستور زبان فارسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد.

- ولدخانی، صغری (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی شبه جمله در دستور زبان فارسی و عربی*.

- صیادکوه، اکبر و حسن رنجبر (۱۳۹۵)، *جمله و شبه جمله در گویش لای زنگانی*.

- میرگلوی بیات، نفیسه (۱۳۹۲)، *بررسی نحوی انواع جمله، شبه جمله و عبارت های موول در آیات قرآن کریم*، پایان نامه ارشد.

- داوری، سهیلا، *بررسی جنبه های زیباشناختی شبه جمله در دیوان شمس و تدوین فرهنگ آن*.

۸. روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحلیلی استفاده شده است و رویکرد تحلیل آن با ماهیت کمی و کیفی بیان می شود، بدین صورت که ابتدا به بررسی انسجام واژگانی و اتحاد مفهومی پرداخته شد و با پیوند زبان کودکان با امور حسی و ملموس شیوه دریافت حقایق اطراف طبیعت بیان می شود و شبه جمله و اصوات از دیدگاه های مختلف بررسی می گردد. سپس

به تحلیل نمونه‌هایی از آن در داستان‌های کودکان می‌پردازیم و درباره نحوه دریافت مستقیم آن در کمترین زمان و حجم بحث می‌کنیم.

۹. کاربرد شبه‌جمله و صوت در کتاب قصه‌های بهرنگ

این کتاب دربردارنده ۲۳ قصه از داستان‌های کودکان صمد بهرنگی است. ما تلاش نمودیم تا با بررسی جملات، جایگاه شبه‌جمله و اصوات در کتاب و تأثیر آن بر ذهن کودکان را ارزیابی کنیم. برای استخراج شبه‌جمله به نحوه ادای کلمات و قرینه‌ها توجه کردیم. به طور کلی، ۲۸۵ شبه‌جمله و ۳۷ اسم صوت از این ۲۳ قصه استخراج گردید. این بسامد آماری نشان از آن دارد که اصوات به سبب اهمیت آن در زبان کودکان مورد توجه نویسندگان بوده‌است.

۱۰. اهمیت اصوات در زبان کودکان

زبان ابزاری است برای انتقال پیام و ارائه اطلاعات. زبان کودکان در بدو تولد پیچیدگی‌های خاص دارد و محور توجه روان‌شناسان کودک می‌باشد. این زبان در دوران نوزادی به شکل اصواتی ادا می‌گردد که بیانگر احساسات و خواسته‌های آنان است. در واقع، منظورشان پشت زبان بی‌زبانی آنان نهفته می‌شود. اصوات هجاهای معمولاً ثابتی دارند؛ مانند جیز و... که خارج از جمله نیز معنی مشخصی دارد. این علائم صوتی همان اصوات است که به کودکان کمک می‌کند تا بدون استفاده از حرکت دست و اعضای بدن منظور خود را بیان کنند. اصوات به نوعی شبیه زبان آغازین کودکی است که انس با آن سبب توجه خاص به این مقوله شده‌است. مضاعف بر آن، به دلیل ایجاد ریتم و آهنگ خاصی که در متن ایجاد می‌کنند، همواره مورد توجه کودکان قرار می‌گیرد. صمد بهرنگی با اشراف بر این مقوله، تلاش نمود تا به نحو احسن از آن در داستان‌های خود استفاده نماید.

۱۱. بررسی و تحلیل شبه‌جمله (اصوات) در کتاب قصه‌های بهرنگ

شبه‌جمله‌ها (اصوات) به طرق مختلف در این داستان‌ها به کار رفته‌است. گاهی اوقات به تنهایی دیده می‌شود و ساخت ساده‌ای دارد؛ مانند: آخ، ها، سلام، کاش، وا، میاوو، هاپش و... که این شکل بیشترین کاربرد را دارد:

- «آی لبو آوردم بچه‌ها! لبوی داغ آوردم» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

- «کاش این دانه برف زبان داشت!» (همان: ۱۷۶).

- «آهای جوجه زردنیو دست پشان نزن» (همان: ۱۸۲).

- «پسرها گفتند: آهای موش مردنی، تیکه بارانت می‌کنیم ها!» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۹۳).
- «تا اولدوز را دید گفت: اوه! بالآخره آمدی؟» (همان: ۳۳).
- گاهی به شکل کلمات عربی نمود می‌یابد؛ مانند: ماشاءالله، یا الله، ان شاءالله و... .
- «ترس برش داشت. سلام، علیک‌السلام!» (همان: ۴۸۵).
- گاهی به صورت مرکب می‌آید؛ مانند: آفرین آفرین، وای وای، واه‌واه، تاپ‌تاپ، جرینگ‌جرینگ و...:
- «مثل اینکه حالا هم دوازده تای دیگر را آورده‌ای. آفرین! آفرین!» (همان: ۴۸۸).
- «فریاد می‌زد: وای، وای! بیچاره شدم» (همان: ۴۶).
- «پری گفت: واه‌واه! مثل لاشخورها هرچه دم دستش می‌رسد، می‌خورد» (همان: ۹۰).
- در دسته‌بندی دیگر، منشاء اصوات را چنین ارزیابی می‌کنیم:
- ۱- بعضی از اصوات منشاء انسانی دارند؛ مانند: پیچ‌پیچ، قاه‌قاه و... . این شکل بالاترین بسامد را در این مقوله دارد:
- «میان هق‌هق گریه‌اش می‌گفت: من دیگر به کارخانه نخواهم رفت» (همان: ۱۷۳).
- «دل هر دوشان تاپ‌تاپ می‌زد» (همان: ۱۸۸).
- «دلیم تاپ‌تاپ می‌زد» (همان: ۲۸۸).
- «شر راه بیندازیم؟ یا بگذاریم هرهر بخندند؟» (همان: ۲۸۰).
- «قاه‌قاه می‌خندیدند» (همان: ۴۴۱).
- «هق‌هق کردند و در بسته بود» (همان: ۱۳۵).
- «دلشان تاپ‌تاپ می‌زد» (همان: ۴۴).
- «کفترها دایره شدند و پیچ‌پیچی کردند» (همان: ۱۵۴).
- ۲- بعضی از اصوات منشاء حیوانی دارند؛ مانند: قارقار، بع‌بع و جیک‌جیک.
- «ننه‌ام جیغ کشید: قارقار» (همان: ۳۴).
- «شروع کرد به عوعو که الان می‌گیرمتان پاره‌پاره‌تان می‌کنم» (همان: ۴۸۷).
- ۳- بعضی از اصوات منشاء اشیاء دارند؛ مانند: جرینگ‌جرینگ.
- «می‌دانستم که الانه داری روی آتش قل‌قل می‌زنی!» (همان: ۸۵).
- «گوش به تیک‌تیک ساعت خوابانیده بود» (همان: ۲۸۹).
- این اصوات گاهی به شکل مرکب و بدون میانوند ذکر می‌گردد؛ مانند:
- «گربه سفید قاه‌قاه خندید» (همان: ۱۸۹).

گاهی به شکل صداهای خام موجود در اطراف به چشم می‌خورد؛ مانند:

- «عطسه‌ام گرفت: هاپ‌ش!» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۲۹۶).

- «گریهٔ سیاه عصبانی شد و یکپهو فریاد زد: میاوو!» (همان: ۱۸۹).

اصوات به عنوان اسم یا صفت و نیز در جایگاهی مانند نهاد و مفعول به کار نمی‌روند، اما

ممکن است مانند افعال، متمم یا جملهٔ پیرو داشته باشند (ر.ک: سعادت، ۱۳۸۴: ۴۴۷).

شبه‌جمله صورت تقلیل‌یافتهٔ یک جملهٔ کامل است. به همین دلیل، معمولاً به‌تنهایی

نمی‌توان به معنای آن پی برد. گاهی با در نظر گرفتن موقعیت گوینده، نحوهٔ ادای آن و یا

وجود قرینه می‌توان معنای قطعی و مشخصی را ارائه داد. قصه‌های به‌رنگ مجموعهٔ

داستان‌هایی است که نویسنده برای گروه سنی کودکان نوشته‌است و سعی نموده تا از

مغلق‌گویی بپرهیزد. شبه‌جمله‌ها در این کتاب ساده، عریان و بدون پوششی مبهم بیان

می‌شود و کودک برای درک آن دچار مشکل نیست.

از نظر معنایی نیز شبه‌جمله‌های موجود در کتاب به انواع زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱- درد و تأسف

- «ممکن است زن‌بابا بیدار شود. آن وقت وای! چه بد!» (سعادت، ۱۳۸۴: ۲۹).

- «خاله‌پری کمکم کن. آخِ مُردم!» (همان: ۱۱۷).

- «یکی می‌گفت: وای فرزند! و مویش را می‌کند» (همان: ۲۰۰).

- «ای کاش می‌توانستم، اما نمی‌توانم. آه چه بد!» (همان: ۴۲۹).

۲- تعجب و شگفتی

- «ناگهان یاشار گفت: اوه! صبر کنید» (همان: ۹۶).

- «تا اولدوز را دید، گفت: اوه! بالآخره آمدی؟» (همان: ۳۳).

۳- امید و آرزو

- «کاش دوتایی سفر می‌کردند» (همان: ۶۵).

- «کاشکی می‌توانستم با شترم حرف بزنم» (همان: ۲۸۷).

- «کاش در قلعه‌های بلند و برج‌های دست‌نیافتنی گرفتار می‌شدی» (همان: ۲۰۹).

۴- دعا

- «ان شاء الله برنده می‌شوی» (همان: ۲۹۸).

- «با شادی دست‌هایش را به هم زد و گفت: برکت بابا» (همان: ۲۸۴).

- «عروسک گفت: سلام کرم شب‌تاب» (همان: ۱۰۴).

- «گفت: صبح بخیر» (سعادت، ۱۳۸۴: ۳۹۲).

۵- نفرین

- «گرگ دندان‌هایش را به هم سایید و گفت: سلام و زهرمار!» (همان: ۴۹۰).

۶- تحسین

- «می‌گفت: آفرین بچه‌های خوب، آفرین!» (همان: ۶۳).

۷- تحریک و برانگیختن

- «یا الله! پاشو بیفت جلو» (همان: ۴۸۵).

۸- تأیید و تصدیق

- «یاشار گفت: آره، عروسک‌خانم انگشت شستم را کارد بریده!» (همان: ۱۰۱).

- «موش گفت: خیلی خوب. برو، اما زود برگرد» (همان: ۴۹۴).

۹- نفی و انکار:

- «به خودم گفتم: پس همه آن‌ها را خواب دیدم؟ نه!... آری، دیگر خواب دیدم. نه!... نه!...»

(همان: ۴۹۴).

۱۰- ندا: این شکل بیانی در این مقوله بالاترین بسامد را دارد.

- «رئیس قشون دوباره گفت: آهای کچل!» (همان: ۱۵۴).

- «آهای پیر کورمکوری! بگو اینجا چه کار داری؟» (همان: ۲۰۲).

- «آقا! یک قران بده... ترا خدا» (همان: ۲۸۴).

- «آهای لطیف کجایی؟» (همان: ۲۹۰).

- «آی خدا! دارم از زیادی خوشی دیوانه می‌شوم!» (همان: ۳۴۴).

- «آی حقه‌باز! چه کلکی تو کارت است؟» (همان: ۳۹۷).

- «اوهوی داش سید کاظم دیزی فروش!» (همان: ۴۳۳).

۱۲. کاربرد شبه‌جمله (اصوات) در کتاب قصه‌های بهرنگ

۱- گاهی در جایگاه نهاد می‌آید (که با حرف اضافه است و متمم می‌گیرد):

- «حمزه گفت: درد و بلات به جان من! من ایلخی‌بان هستم» (همان: ۳۳۹).

- «فریاد برکشیدند: زنده باد خودکار! مرگ بر آشوب‌طلبان چنلی بل» (همان: ۳۳۱).

۲- گاهی جانشین جمله پایه می‌شود (که همراه حرف ربط می‌آید و جمله پیرو دارد).

نویسنده حتی در یک مورد، شبه‌جمله را اینگونه به کار نبرده‌است.

۳- گاهی بدون حرف اضافه و ربط و در حکم یک جمله مستقل آن را به کار می‌برد:

– «مثل اینکه حالا هم دوازده تایی دیگر را آورده‌ای. آفرین! آفرین!» (سعادت، ۱۳۸۴: ۴۸۸).

۴- گاهی اوقات بدون همراهی حرف اضافه و ربط می‌آید و نقش قیدی دارد.

– «زنش دو بدستش افتاد: آخه زیر آوار بمونی ان شالله!» (همان: ۴۳۴).

– «صاحبعلی گفت: خوب تو که ماشالله سر خزانه نشستهای! بگو چقدر؟» (همان: ۲۵۳).

۵- گاهی بی‌همراهی حرف اضافه و ربط در جایگاه مسند می‌آید:

– «چشم کوره گفت: امشب ما می‌خواهیم همچین یه کمی بگو بخن کنیم، خوب؟» (همان: ۲۸۱).

۶- گاهی هم شبه‌جمله در معنای کنایی به کار می‌رود:

– «من گفتم: روی چشم نوروش آقا» (همان: ۴۵۱). «روی چشم» کنایه از «حتماً انجام دادن» است.

– «سر بره تشر زد: پدرسگ! یالله! پاشو بیفت جلو برویم» (همان: ۴۸۵). «یالله» کنایه از «عجله کن».

اصوات با ویژگی‌های جملات معترضه مطابقت می‌کند؛ یعنی به لحاظ نحوی و آوایی به این دلیل که از اجزای جمله مستقل به حساب می‌آیند و معنای غیرمحدود دارند، اگرچه ممکن است معنای آن با دیگر عناصر زبانی جمله در ارتباط باشد، اما از نظر معنایی، جمله مستقل است و علاوه بر آن، یکی از نقش‌های اصلی حوزه دستور معترضه، یعنی اول عقاید گوینده و در مرحله بعد، تعامل گوینده - شنونده را بیان می‌کنند و سرانجام اینکه ساختار کوتاه و قالبی دارند (ر.ک: عموزاده، ۱۳۹۳: ۶۲).

در دسته‌بندی دیگری از این کتاب، شبه‌جمله را از نظر ساختار ظاهری می‌توان به دو دسته اولیه (که حذفی در آن اتفاق نیفتاده است) و ثانویه (که در آن قسمتی از کلام حذف شده است) دسته‌بندی نمود. یادآوری می‌شویم که نویسنده کتاب به شبه‌جمله‌های اولیه (بدون آنکه حذفی در ظاهر آن اتفاق افتاده باشد)، علاقه بیشتری نشان می‌دهد و برای بیان حالات عاطفی و احساسی حاکم بر داستان از آن استفاده می‌کند.

۱- شبه‌جمله اولیه: وای آخ، آه، اوه، ها و... .

– «خیلی شهوانی گفت: وا... چه حرف‌ها...» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۰۷).

– «صاحبعلی گفت: ها! بگو» (همان: ۲۵۳).

۲- شبه‌جمله ثانویه: سلام، زهر مار، آفرین، ننه‌اش به قربان و...

– «بودی گفت: ننه‌اش به قربان!» (همان: ۴۷۲).

نویسنده کتاب از این وجه کلامی برای روح‌بخشی و زنده نگه داشتن متن کمک گرفته‌است و از ویژگی‌های منحصر به فرد آن تنوع‌بخشی می‌باشد؛ به عنوان مثال، در بیان حالات عاطفی از یک نوع شبه‌جمله استفاده می‌کند و برای جلب توجه مخاطب وجه دیگر شبه‌جمله را به کار می‌برد. گاهی نیز در بیان حالت گوینده نسبت به کلام در جریان، از نوع خاص شبه‌جمله مدد می‌جوید.

۱۳. طبقه‌بندی شبه‌جمله بر اساس نوع تعامل با مخاطب

الف) بیانی

این نوع شبه‌جمله بیانگر حالات عاطفی، شناختی و مرتبط با عقاید نویسنده‌است؛ مانند: کاشکی، افسوس، حیف و... .

- «کاشکی قلبانی چاق می‌کردیم!» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۸۴)

- «آخ! صاحبعلی بی‌مادر شد!» (همان: ۴۵۱).

ب) هدفمند

این نوع بیان، برای جلب توجه یا پاسخ شنونده به کار می‌رود و مرتبط با عنصر تعامل گوینده- شنونده است؛ مانند: هیس، یخ، آخ، اوهوی، آهای و... .

- «اوهو، آمیزموسا کبلا سیدحسنى دیزی فروش! نگاه کن. بازم زنش فرستاده دیزی بخره... ها...ها...هاها» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۳۳).

- «اوهوی، داش سید کاظم دیزی فروش! خل می‌خواستی ببینی؟» (همان: ۴۳۳).

ج) حالت گوینده نسبت به کلام در حال جریان مرتبط با عنصر سازمان‌دهی متن؛ مانند: خوب! بسیار خوب! درست!

- «من دوباره گفتم: خوب! معلوم نشد نارنج را کی برداشته؟» (همان: ۴۵۶).

- «مرد گفت: خیلی خوب! آن گرگی که همیشه سرش درد دارد، دوایش چیست؟» (همان: ۴۸۱).

۱۴. نقش دستوری شبه‌جمله (اصوات)

۱- برخی از شبه‌جمله‌ها همیشه شبه‌جمله هستند و در هیچ نقش دیگری به کار نمی‌روند و در واقع، شبه‌جمله مختص به حساب می‌آیند. نویسنده این نوع شبه‌جمله را در کتاب *قصه‌های بهرنگ*، بسیار در پایان جملات خود برای تأیید و تأکید به کار می‌برد؛ مانند:

- «برایت نارنج بخرم بیاورم، ها؟» (بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۵۹).

- «مثل اینکه حالا هم دوازده تایی دیگر را آورده‌ای. آفرین، آفرین!» (همان: ۴۸۸).

۲- اما برخی دیگر از شبه‌جمله‌ها با کلمات دیگری مانند اسم، قید و صفت، مشترک هستند؛ مانند:

۲-۱) شبه‌جمله‌های مشترک با قید:

- «خیلی شهوانی گفت: واہ... چه حرف‌ها؟!... شما هم حوصله دارین!» (بهرنگی، ۱۳۸۷، ۴۰۷).

- «خاله‌پری کمکم کن. آخ، مُردم!» (همان: ۱۱۷).

۲-۲) شبه‌جمله مشترک با اسم:

- «عروسک گفت: سلام کرم شبتاب» (همان: ۱۰۴).

- «گفت: سلام ماه خوشگلم! ماه گفت: سلام ماهی سیاه کوچولو» (همان: ۳۹۰).

۳-۳) شبه‌جمله مشترک با صفت:

- «چشم‌کوره گفت: امشب ما می‌خواهیم همچین یه کمی بگوبخند کنیم، خوب؟» (همان: ۲۸۱).

جدول فراوانی شبه‌جمله از نوع مختص و مشترک بودن آن

شبه‌جمله مختص	۲۶۱	۰/۰۹۱
شبه‌جمله مشترک	۲۴	۰/۰۹

نویسنده در کتاب *قصه‌های بهرنگ* بیشتر از شبه‌جمله‌های مختص استفاده نموده‌است؛

یعنی شبه‌جمله‌هایی که فقط شبه‌جمله هستند؛ مثل: آخ، اوه و

جدول شبه‌جمله و صوت

شبه‌جمله	۲۸۵	۰/۰۸۸
صوت	۳۷	۰/۰۱۲

نویسنده کتاب از شبه‌جمله بیش از صوت استفاده نموده‌است که بیشترین تعداد آن مربوط به ندا می‌شود. در واقع، از ۲۸۵ مورد شبه‌جمله، ۱۵۵ مورد آن مربوط به نداست که در ۱۳۱ مورد، اسم مورد خطاب قرار گرفته‌است و در بقیه موارد از الفظی چون «اوهوی»، «آهای» و «آی» استفاده شده‌است. این الفاظ گویای صدای حرکت دست و اعضای بدن است که در متن شنیده می‌شود. شبه‌جمله‌های دیگر عبارتند از: «آره، نه، آخ، آهای، آفرین، اوه، کاش، عجب، ها، خوب، سلام، وای، ها، وا، واہ، اوهوی، صبح بخیر» و اسم صوت‌های به‌کاررفته در این قصه‌ها عبارتند از: «وعو، هرهر، تاپ‌تاپ، پیچ، قاه‌قاه، هاها، تیک‌تیک، جیرینگ‌جیرینگ، مع‌مع، بع‌بع و ... از بین اصوات، صداهایی که منشاء انسانی دارد، بیشتر به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده توجه نویسنده به بیان حالات و عواطف

حاکم بر داستان است، صداهایی چون «هرهر»، «تاپ-تاپ»، «هاها» و... که بیانگر روح شادمانی، اضطراب و یأس و ناامیدی می باشد.

شبه‌جمله‌ها و اصوات به کاررفته، به تفکک هر داستان

اصوات	شبه‌جمله	فهرست کتاب‌های داستان
۱۳	۴۱	اولدوز و کلاغ‌ها
۳	۲۲	اولدوز و عروسک سخنگو
۱	۱۲	کچل کفترباز
۱	۲۳	پسرک لبوفروش
-	۱	سرگذشت دانه برفی
-	۵	پیرزن و جوجه طلایی اش
۳	۱	دو گربه روی دیوار
۱	۴۰	سرگذشت دومرول دیوانه‌سر
-	۲۰	افسانه محبت
۱	۱۰	یک هلو و هزار هلو
۷	۱۳	۲۴ ساعت در خواب و بیداری
۱	۲۷	کوراوغلو و کچل حمزه
۳	۲۲	ماهی سیاه کوچولو
۱	۱۰	تلخون و...
۱	۴	بی‌نام
-	۱	عادت
-	۶	پوست نارنج
-	۲	قصه آه
-	۵	آدی و بودی
-	۶	به دنبال فلک
۱	۶	بز ریش سفید
-	۳	گرسنگ و گوسفند
-	۵	موش گرسنه

۱۵. نتیجه

شبه‌جمله‌ها در واقع، جملات بی‌فعلی هستند که برای بیان حالات عاطفی به کار می‌روند و نویسنده به کمک آن‌ها احساس درد، تعجب، افسوس، تحسین و... را نشان می‌دهد. این جزء کلامی در داستان‌های کودکان نمود فراوانی یافته‌است. قصه، داستان زندگی است که از رهگذر تجربه و ذوق ادبی در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد. کهربای آن نیز احساسات و عواطف و هیجانی است که در دل داستان نهفته‌است. کاربرد اشکال مختلف شبه‌جمله و

صوت نمایانگر بهره‌مندی نویسنده از جلوه‌های متنوع اثرگذار در متن است. گوینده احساسات و عواطف حاکم بر داستان را به شکل شبه‌جمله و اصوات نمایان می‌سازد و در این میان، از انواع شگردهای دل‌پسند استفاده می‌کند؛ بدین صورت که گاه برای اقناع خواننده، گاه انتقال احساسات و عواطف و نیز زمانی برای جلب توجه بیشتر به طرق مختلف آن را به کار می‌برد. این وجه از کلام در داستان‌هایی با زبان ساده و صمیمی ابزار مناسبی برای تأثیرگذاری قلمداد می‌شود. از نظر فراوانی، کاربرد شبه‌جمله و اصوات در همه داستان‌های صمد بهرنگی یکی نیست. علت این امر را می‌توان در محتوای داستان‌ها جستجو کرد. در داستان‌های *اولدوز و کلاغ‌ها*، *سرگذشت دومیرو دویانه‌سر*، *کوراغلو* و *کچل حمزه* و ماهی سیاه کوچولو به ترتیب بالاترین بسامد شبه‌جمله را مشاهده می‌کنیم. اصوات نیز در داستان *اولدوز و کلاغ‌ها* و *تا بیست و چهار ساعت در خواب و بیداری* بالاترین فراوانی را دارد. نویسنده تلاش نموده تا در حالت درد، افسوس و دعا بیشتر از شبه‌جمله استفاده نماید و از میان اصوات، «قارقار» و «عوعو» بیش از صداهای دیگر مورد توجه بوده‌است. کودکان در ارتباط با طبیعت و صداهای اطراف خود بسیار توانمند عمل می‌کنند. بنابراین، استفاده از اصوات، به‌ویژه صداهایی که منشأ حیوانی دارند، عامل مؤثری در جذب کودکان محسوب می‌شود. آن‌ها این صداها را می‌شنوند و با تجسم اصواتی که از بدو تولد شنیده‌اند، به‌آسانی به درک حقایق اطراف و در نتیجه، پیام داستان می‌رسند. نویسنده با وقوف بر این واقعیت، از چنین اصوات ملموس و حسی استفاده کرده و از این منظر، داستان‌هایش را به سلیقه کودکان نزدیک نموده‌است.

به کمک شبه‌جمله، روابط احساسی، عاطفی و اجتماعی در داستان شکل می‌گیرد. نویسنده با آگاهی از این فرایند به‌خوبی از آن بهره گرفته و تأثیرگذاری قصه‌های خود را دوچندان کرده‌است. او با این مهارت توانست سلیقه کودکان را به قصه‌های خود نزدیک کند و به داستان‌هایش جذابیت ببخشد، آن‌ها را زنده و پویا به تصویر کشد و احساسات و صداهای حاکم بر داستان‌هایش را به شکل ملموس و عینی به کودکان منتقل نماید.

منابع

- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۷۷)، *دستور زبان فارسی ۲*، چاپ ۱۵، تهران، فاطمی.
 بهرنگی، صمد (۱۳۸۷)، *قصه‌های بهرنگ (مجموعه قصه‌ها)*، چاپ ۸، تهران، نشر سرایش.
 خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۸۹)، *دستور زبان فارسی*، چاپ ۵، تبریز، انتشارات ستوده.
 سعادت، اسماعیل (۱۳۸۵)، *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، چاپ ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳)، *بیان و معانی*، چاپ ۸، تهران، انتشارات فردوس.
- عموزاده، محمد و حسن آزموده (۱۳۹۳)، «جنبه‌های دستور معترضه بر اساس نمونه‌هایی از زبان فارسی»، *نشریه پژوهش‌های تطبیقی*، س ۴، ش ۷، صص ۶۷-۴۵.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، *دستور مفصل امروز*، چاپ ۲، تهران، نشر سخن.
- کیانوش، محمود (۱۳۸۹)، *شعر زبان کودکی انسان*، چاپ ۱، تهران، نشر قطره.
- مختار عمر، احمد (۱۳۸۵)، *معناشناسی*، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ ۱، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶)، *به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقاشگر*، چاپ ۱، تهران، آگه.
- اصفهان‌ی، میرزا حبیب (۱۳۸۹)، *دستور سخن*، چاپ ۱، تهران، انتشارات مؤلف.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷)، *دستور زبان فارسی*، چاپ ۱۶، تهران، توس.
- وفایی، عباسعلی و سمیه آقابابایی (۱۳۹۴)، *علم معانی و دستور زبان فارسی*، چاپ ۱، تهران، نشر علمی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۶)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ ۲، تهران، انتشارات توس.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن*، مترجمان مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، چاپ ۱، تهران، نشر علم.

